

فراخوان

خطاب به همه اعضای محترم آن گروه و همه دوستان و عزیزانی که دلمشغول آینده کشور و نسل هستند و همچون استادان دکتر سریع القلم و دکتر نانی به حق و به عنوان یک بحث کانونی دغدغه مند چالش هائی از قبیل <خلق نظریه توسعه از دل جامعه>، <شکل گیری توسعه از فنداق کودکی>، <گفتمان توسعه> و <تحقق باور به عوامل بلوغ شخصیتی> می باشند. و یا به عبارت نگارنده این پست، خطاب به آن دسته از افراد حقیقی و حقوقی که دلمشغول چالش های <صلاحیت و شایستگی های اخلاق و رفتار فردی، حرفه ای و اجتماعی و به ویژه شایستگی حل مشکل مبتنی بر فرآیند زنجیره آموزش تمام عمر از بدو تولد> هستند. و همچنین خطاب به کسانی که خواهان و جویای اصول، روش ها، طرح ها و برنامه های هدفمند کاربردی و تجربه شده در حوزه های توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می باشند:

خواهشمندم در ابتدا با حوصله و تأمل مروری متفکرانه بر مقاله زیر، از استاد دکتر محمود سریع القلم با عنوان "جایگاه ضعیف EQ" داشته باشید و سپس با رویکردی نقادانه و کاربردی در راستای حل معضل اصلی کشور که "چرائی و چگونگی ساماندهی و توسعه منابع انسانی" است، به مطالعه و بررسی و اعلام نظر در مورد <<نظرات و پیشنهاداتی>> که بعد از مقاله مذکور تقدیم شما می گردد پردازید. پیشاپیش از صبر و حوصله و همفکری شما عزیزان همراه سپاسگزارم.

جایگاه ضعیف EQ {هوش عاطفی / هیجانی} در زندگی ما

دکتر محمود سریع القلم

برگرفته از شبکه اجتماعی "اندیشکده فرهیختگان ایران"

- چرا افراد در کشورهای جهان سوم مدرک می‌گیرند، ولی عموماً شخصیت آنها خیلی تغییر نمی‌کند؟ مطالعه مقایسه‌ای جوامع شرق آسیا و غرب اروپا به وضوح نشان می‌دهد که پیشرفت و توسعه یافتگی، نه تنها تابع سطح علم و دانش، بلکه شاید به مراتب مهم‌تر، تحت سیطره «بلوغ شخصیتی» است.

فقط دانش و خصوصی‌سازی اقتصادی نیست که چین، کره جنوبی و ویتنام را به وضعیت برتر اقتصادی و سیاسی فعلی رسانده است، بلکه «کنترل خشم»، «کنترل هیجان»، «آگاهی از احساسات خود»، «توان استدلالی فهم دیگران»، «توان پذیرش واقعیت»، «توان روحی انطباق پذیری»، «فهم خود از منظر دیگران» و «آمادگی برای خود ارزیابی» هم بسیار دخیل و تعیین‌کننده هستند.

- این نوع توانایی‌ها از توانایی‌های مربوط به فیزیک‌دان، شیمی‌دان، ریاضی‌دان شدن و علوم هسته‌ای و مهندسی بسیار مهم‌تر است.

یکی از مهارت‌های مهم زندگی، فهم شرایط طرف مقابل است. حال این طرف دوست باشد، همسایه باشد، مغازه‌دار باشد، فرزند باشد، یک سازمان و دولت باشد، حزب مخالف باشد و یا حکومت خارجی باشد. این توانایی با هوش ریاضی فرق می‌کند. به همین دلیل ممکن است فردی، دو مدرک دکتری از برجسته‌ترین دانشگاه‌های جهان داشته باشد، ولی متوجه پیامد واژه‌هایی که در تعامل با دیگران به کار می‌گیرد، نباشد.

• دانش (Knowledge) و پردازش اطلاعات (Information Processing)

یک نوع هوش می‌خواهد و مدیریت هیجان، احساس، عصبانیت، غم، ترس و خوشحالی زیاد؛ هوشی متفاوتی می‌طلبد.

انگلیسی‌ها می‌گویند: اگر دو یا چند گروه با هم اختلاف دارند، نباید خودروها را آتش بزنند، ساختمان‌ها را تخریب کنند، یکدیگر را به قتل برسانند یا واژه‌های ناپسند استفاده کنند؟ بلکه باید یکدیگر را درک کنند، برای هم جا باز کنند و دایره‌ای بزرگ برای منافع طرفین شکل دهند.

چرا تخریب؟ چرا فحاشی؟ چرا خشونت؟ به همین دلیل در انگلستان برخلاف فرانسه و روسیه، جنبش‌های فعال اجتماعی؛ مدنی و سیاسی بوده ولی منجر به بهم‌ریختگی و فروپاشی سیستمی نشده است و شاید دلیل اصلی آن، مدیریت منطقی هیجان، احساس، خشم و ترس است.

مهم‌تر از درک دیگران، درک خود است. در مقابل واژه Introspection

در دیکشنری آمده : An examination of one's thoughts and feelings (ارزیابی اندیشه‌ها و احساسات خود)

یکی از تکالیفی که بعضاً به دانشجویان دکتری خود می‌دهم، این است که: لطفاً تا هفته آینده، پنجاه صفحه در مورد خود بنویسید. در زمان‌هایی که این تمرین انجام شده، اغلب دانشجویان ثابت کرده‌اند که بعد از ۶-۵ صفحه، متوقف شده و در مورد خود بسیار کم می‌دانند.

■ چطور است که ما تا این حد با هم اختلاف داریم و در خارج هم با همسایگان و غیرهمسایگان اختلافات بنیادی داریم؟ آیا به منابع نفت و گاز مربوط می‌شود؟ یا موقعیت جغرافیایی؟ به حمله مغول‌ها مربوط می‌شود یا استعمار انگلستان؟

آیا ممکن است در مقابل به نحوه فکر کردن و مدیریت روان و احساسات ما مربوط باشد؟

ویتنام با پنج قدرت رویارویی کرده است: چین، ژاپن، کره، فرانسه و آمریکا. امروز با حدود ۹۷ میلیون نفر جمعیت، جغرافیایی کوچک (۳۳۱۲۱۱ کیلومتر مربع)، حکومت متمرکز کمونیستی و اقتدارگرا، تولید ناخالص داخلی آن بالغ بر ۲۷۱ میلیارد دلار بوده و در جذب سرمایه‌گذاری خارجی موفق عمل کرده است.

□ بحث کانونی می‌تواند این موضوع باشد که فهم خود و فهم دیگران، فقط اطلاعات و دانش نیست. خودخواهی، خودمحوری، عصبانیت، هیجان، خشم و ترس؛ می‌توانند فهم از خود و دیگران را بشدت مخدوش کنند. تفاوت روسیه و چین هم در همین جاست. روسیه توان تولید مانند ژاپن را ندارد، بلکه با تانک و جنگنده قدرت تولید می‌کند. ولی چین از خود پرسید: غرب چگونه جهان را تسخیر کرد؟ پاسخ در سازماندهی گسترده تولید و ثروت بود. چون جایگاه سخیف فقر خود را زمان مائو تشخیص داد و قدرت طرف مقابل یعنی غرب را هم متوجه شد، اجازه نداد غرور تاریخی در این ادراکات نقش داشته باشند و طی سه دهه خود را به جایی رساند که هیچ کشوری امروز نمی‌تواند اقتصاد خود را از چین مُنْغک کند.

○ وقتی EQ (Emotional Quotient) یا هوش (مدیریت) هیجان تعطیل است، آدمی متوجه نمی‌شود که کارها و سخنان او چه تاثیری بر اندیشه، عملکرد و روان طرف مقابل می‌گذارد و چون با خشم، احساس، عصبانیت، نفرت، جبران، تلافی، انتقام، حذف و توهین عمل می‌کند، ناخواسته فرصت‌های احتمالی تعامل و کنار آمدن را حذف می‌کند. خیلی باید کنجکاو بود که چرا واژه **Compromise** به معنای کوتاه‌آمدن و کنار آمدن، به «سازش» در ادبیات اجتماعی و سیاسی ما ترجمه شده است. یعنی نباید کنار آمد و کوتاه آمد، بلکه باید جواب داد، مبارزه کرد، مقابله کرد، درگیر شد و تلافی نمود!!!

■ میان دانش و داده از یک طرف و عملکرد از طرف دیگر، هیجانات و احساسات ورود پیدا می‌کنند و رفتارها و کنش‌ها را جهت می‌دهند. شاید سینوسی بودن تاریخ ما و مرتب سیستم‌های سیاسی را عوض کردن، به خاطر این بوده که ما در مدیریت اختلافات فکری و اجتماعی خود، به اندازه کافی EQ نداشته‌ایم.

بسیاری می‌پرسند: مگر ما منابع طبیعی فراوان، سرزمین بزرگ، ادبیات غنی، مبانی منحصر به فرد فلسفی، دانشگاه‌های مناسب، افراد توانمند در علوم، مهندسی، پزشکی، حقوق و اقتصاد نداریم؟ چرا نمی‌توانیم در مناسبات داخلی و خارجی، سیستم بسازیم؟ وضعیت ما حاکی از آن است که حلقه مفقود شده در دسترسی به دانش و اطلاعات نیست، بلکه در «فهم خود و فهم دیگران» است. در فهم خود و در فهم دیگران هم، مشکل اصلی کمبود اطلاعات نیست، به خصوص در جهان 5G، دسترسی به داده مشکل ندارد، بلکه شاید «مدیریت معقول EQ و هوش هیجانی» به توجه بیشتری نیاز دارد.

□ تا به حال حتی یکبار شنیده نشده که یک مقام رسمی اسرائیلی، وجود تسلیحات هسته ای اسرائیل را اذعان کند. کنترل بسیار محاسبه شده‌ای در میان سیاستمداران اسرائیلی هست که این موضوع را به زبان نیاورند و حتی برای ترساندن و یا ابراز خشم و یا حس برتری خود از این اهرم به صورت تبلیغاتی استفاده نکنند.

این سیاستمداران به صورت پیچیده‌ای عمل کرده‌اند، طوری که همه واقف به این Fact هسته‌ای هستند و به آن توجه می‌کنند. ولی چون ما EQ ضعیف داریم و «خودنمایی» به مراتب قوی‌تری از حکمرانی خوب، اجماع نخبگان، مصالح دراز مدت و عقلانیت سیاسی عمل می‌کند، کارهایی که انجام نمی‌دهیم را قبل از وقوع تبلیغ می‌کنیم. حتی در موارد عادی اجتماعی و عمومی نیز، اگر فردی مصالح دراز مدت خود را در نظر بگیرد، بسیار مراقب واژه‌ها، سخنان و رفتارهای «فعلی» خود خواهد بود.

• آیا داشتن مدرک دانشگاهی برای مدیریت هیجان و مجهز شدن به عقلانیت کلامی و رفتاری، کافی است؟

طبعاً یادگیری علوم و انباشت ذهنی داده‌ها کافی نیست و نوعی **بلوغ شخصیتی** و رفتاری لازم است.

اگر IQ را در دانشگاه به کار می‌گیریم، کجا سراغ EQ برویم؟

هر چند تحصیلات می‌تواند عاملی موثر در EQ باشد، ولی مجهز شدن به این توانایی، ظرفیت‌هایی به مراتب بالاتر از کسب دانش و مدرک لازم دارد. حتی کشورهایی مانند ژاپن، نروژ، دانمارک و انگلستان که در EQ بسیار رشد کرده‌اند، همانند پرورش اخلاقی انسان هنوز می‌توانند عرصه‌های جدیدی را طی کرده و تجربه نمایند و به طور طبیعی، مرزی برای EQ وجود ندارد. همانند یادگیری حرفه‌ای زبان‌های خارجی، بهترین بازه سنی برای پرورش EQ زیر پانزده سال است. اولین و شاید مهم‌ترین شرط برای تحقق این امر این است که مجموعه خانواده، مدرسه، رسانه‌ها، جامعه و دولت، اصل و اهمیت EQ را بپذیرند و مدیریت خشم، عصبانیت، غم، ترس، عقده‌ها، کمبودها، هیجان و احساس را در فرآیندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های فردی و کلان، دخیل بدانند. سپس، مباحث EQ در برنامه درسی نظام آموزشی در دبیرستان قرار بگیرد و اهمیت آن کمتر از فیزیک، شیمی و ریاضیات و مدرک دانشگاهی تلقی نگردد.

○ **خودآگاهی و توجه به احساسات و خواسته‌های دیگران باید به عادات مثبت و پسندیده در فضای جامعه تبدیل شوند. پدر و مادرها اول باید به EQ واقف باشند تا بتوانند آن را در محیط خانواده پیاده کنند.** اگر فردی EQ داشته باشد هیچ گاه دوبله پارک نمی‌کند، چون نه می‌خواهد به خودش بی‌احترامی کند و نه به دیگران. همین مثال دوبله پارک کردن را می‌توان به اندازه ۵۰۰۰ مورد فردی و اجتماعی تعمیم داد EQ. در تمام شئون زندگی انسان جاری است.

■ افرادی که از ضریب بالای هوش هیجانی برخوردارند، از اعتماد به نفس قابل توجهی نیز بهره‌مندند. ملت‌ها و دولت‌هایی که با EQ آشنا بوده و آن را بکار می‌گیرند، بهتر و دقیق‌تر تصمیم می‌گیرند، بهتر مشکلات را مدیریت می‌کنند، کمتر اشتباه می‌کنند، اختلافات خود با دیگران را عمیق‌تر و راحت‌تر حل و فصل می‌کنند و به موازات دانش، طبع بشر، خوداکتشافی و دیگراکتشافی را مد نظر قرار می‌دهند.

□ در مقابل، افراد یا جامعه‌ای که در EQ ضعیف هستند، بی‌محابا دروغ می‌گویند. Fact را نادیده می‌گیرند، آگاهانه، حيله‌گری را بجای تدبیر بکار می‌برند و نسبت به وارونه جلوه‌دادن حقایق، بی‌حس می‌شوند.

حال که باتأمل، مروری بر مقاله بالا داشتید، با هم به مبحث مهم و اساسی "چگونگی تحقق" انتظارات و ساماندهی و توسعه منابع انسانی می‌پردازیم:

دکتر سریع القلم به این سؤال اصولی که چرا افراد در کشورهای جهان سوم مدرک می‌گیرند، ولی عموماً شخصیت آنها خیلی تغییر نمی‌کند؟ پاسخ داده است که مطالعات مقایسه‌ای در جوامع شرق آسیا و غرب اروپا به وضوح نشان می‌دهد که پیشرفت و توسعه یافتگی نه تنها تابع سطح علم و دانش، بلکه شاید به مراتب مهم‌تر، تحت سیطره "بلوغ شخصیتی" است. به منظور تعریف بلوغ شخصیتی نیز به کنترل‌های گوناگون، آگاهی از احساسات، توان‌های متنوع و آمادگی برای خودارزیابی که همه دخیل در پیشرفت و توسعه هستند، اشاره می‌کند. علاوه بر این، تأثیرات منفی تعطیل بودن هر یک از این عوامل زیربنایی شخصیتی که برای هریک نیاز به یک نوع هوش می‌باشد را نیز یادآور می‌شود.

استاد سریع و القلم در راستای یکی از این عوامل زیربنایی شخصیتی که عبارت است از: "ارزیابی اندیشه‌ها و احساسات خود" اظهار می‌دارد که یکی از تکالیفی که بعضاً به دانشجویان دکتری خود می‌دهم، این است که تا هفته آینده، پنجاه صفحه در مورد خود بنویسید. در زمان‌هایی که این تمرین انجام شده اغلب دانشجویان ثابت کرده‌اند که بعد از ۶ - ۵ صفحه متوقف شده و مورد خود کم می‌دانند!

یکی دیگر از سؤالات ایشان این است که چرا ما با جوامع توسعه یافته یاد شده و حتی با همسایگان و غیر همسایگان تا این حد اختلاف داریم؟ آیا ممکن است در مقابل به نحوه فکر کردن و مدیریت روان و احساسات ما مربوط باشد؟ که ایشان خودشان پاسخ می‌دهند: حلقه مفقوده در "فهم خود و دیگران" است.

مرزی برای پرورش EQ که در تمام زندگی جاری است وجود ندارد. بهترین بازه سنی برای پرورش EQ را زیر ۱۵ سال اعلام می‌کنند. با این تأکید که شرط تحقق این امر را مجموعه خانواده، مدرسه، رسانه، جامعه و دولت باید اصل و اهمیت را بپذیرند.

و اما چگونه؟

براساس یک سری واقعیت‌های تاریخی و مطالعات مقایسه‌ای و تطبیقی و پاره‌ای شواهد عینی حاصل همکاری‌های اجرایی مشترک در خصوص چرائی و چگونگی پیشرفت و توسعه یافتگی یکی از کشورهای غرب اروپا (کشور آلمان) که از یک رابطه حدود ۱۲۰ ساله همکاری‌های مشترک در زمینه‌های پروژه‌ها و طرح‌های توسعه‌ای و "به ویژه طرح‌های آموزشی مبتنی بر شایستگی‌ها و بلوغ شخصیتی" با کشور ما ایران برخوردار است، نتایج بسیار ارزنده و کم و بیش ماندگار از این همکاری‌های مشترک برای کشور ما حاصل شده است، ولی متأسفانه در اثر همان ضعف‌های بلوغ شخصیتی حاکم بر اکثریت جامعه، اعم از بخش حکمرانی و اقشار گوناگون مردمی، از

تداوم هدفمند و توسعه آنها متناسب با صلاحیت ها و شایستگی های اصولی مورد تأکید مدل سیستم آموزشی پرورشی آلمان که شاهد عینی برخی از نتایج آنها بوده ایم غافل مانده ایم.

در این قسمت سعی می کنیم در راستای ایجاد زبان مشترک برای هم اندیشی و شفاف سازی روش ها و چگونگی دسترسی به عوامل مؤثر برای توسعه یافتگی، به نمونه هائی از شایستگی ها و بلوغ شخصیتی حاصل همکاری های آموزشی کشور ایران با آلمان یاد آور شویم. در ابتدا اشاره گذرا به دست آوردهای تأسیس اولین هنرستان صنعتی در تهران به نام **"مدرسه ایران و آلمان"** خواهم داشت. این مدرسه که در سال ۱۲۸۶ خورشیدی با همکاری مشترک ایران و آلمان راه اندازی شد، علاوه بر ارائه نخبگان برخوردار از "بلوغ و شایستگی های شخصیتی" که موجب ایجاد تحول اساسی در برخی از صنایع کشور شدند، در بنیانگذاری دانشگاه های امیر کبیر، علم و صنعت و خواجه نصیر نیز به نحوی سهمیم بودند. براساس بهره برداری نسبی از برخی از راهبردهای نظام آموزشی و تحقیقاتی کشور آلمان از قبیل ارتباط **"سیستمیک و منسجم بین آموزش، تحقیقات و نیازهای اقتصاد و جامعه"** در دانشگاه های یادشده، رویکردهای کاربردی و گرایش های آموزش دیدگان سه دانشگاه یاد شده نیز در مقایسه با سایر دانشگاه های آکادمیک کشور به نحوی متفاوت می باشد.

و اکنون به معرفی و تحلیل برخی "ویژگی های" حرکتی نوین در حوزه آموزش حرفه ای می پردازیم که از اواسط دهه شصت خورشیدی تحت عنوان **"اقدام مشترک اقتصاد آلمان برای ایران"** با همکاری وزارتخانه های امور اقتصاد و دارایی و امور خارجه ایران در سازمان آموزش فنی و حرفه ای وزارت کار و اتحادیه فدرال صنایع آلمان با بهره گیری از الگوی "سیستم دوآل آموزش حرفه ای آلمان" برنامه ریزی و اجرا شد.

به منظور ایجاد زبان مشترک مؤثرتر برای هم اندیشی هدفمند و کاربردی در خصوص دست آوردهای طرح مشترک نوین آموزشی ایران و آلمان (اقدام مشترک اقتصاد آلمان برای ایران)، به برخی از راهبردهای نظام **"زنجیره آموزش و تحقیقات"** آلمان با تأکید بر ویژگی های **"حلقه سیستم آموزش حرفه ای"** در نظام زنجیره آموزش که بعضاً به صورت الگو در طرح اقدام مشترک یاد شده مورد بهره برداری قرار گرفته اند به شرح زیر اشاره می کنیم:

۱- نظام آموزشی آلمان دارای ساختار **"زنجیره آموزشی"** است. بدین معنی که انواع مقاطع، سطوح، دوره ها، رشته ها و گرایش های آموزشی در یک ارتباط منسجم تعریف شده سیستمیک قرار دارند و آموزش بین سطوح با انعطاف زیاد بر اساس علاقه و نیاز در دسترس فراگیران قرار دارد. تمام این زنجیره متنوع آموزشی برای تمام عمر به همراه پژوهش ها و تحقیقات، توسط **"یک وزارتخانه"**!!!! سیاست گذاری، برنامه ریزی، هماهنگی و اجرا می شود. البته دو اصل اساسی بسیار رایج در آلمان که عبارتند از **"هماهنگی و همکاری"** بین وزارتخانه های گوناگون نیز جاری است. برای مثال اگر وزارت آموزش و تحقیقات، ایجاد و یا تغییر یک حرفه آموزشی را در دستور کار داشته باشد، در آن صورت وزارت اقتصاد نیز به طور جد و مؤثر طبق مکانیزم های تعریف شده، در آن مورد خاص صاحب نظر مؤثر کاربردی است.

با مثالی دیگر به توجیه مختصر **"زنجیره آموزش از بدو تولد"** و **"همراهی تحقیقات"** با این زنجیره به شرح زیر می پردازیم:

از اولین لحظه ای که نوزاد چشم به دنیا می گشاید، برخی ویژگی های توسعه و در رأس همه **"عشق به یاد گیری"** و **"انگیزه"** در مغز نوزاد شروع به جوانه زدن می کنند. به قول استاد رناتی، توسعه از قنداق کودکی شکل می گیرد و نطفه اش بسته می شود.

بنابراین بر اساس مطالعات و تحقیقات فراگیر و همه جانبه توسط مراکز آموزشی و پژوهشی ذی ربط، بسترهای لازم برای آموزش والدین، به ویژه مادران که مؤثرترین نقش را در تربیت کودک ایفا می کنند و همچنین مربیان و مشاوران مهد و کودکستان و معلمان پیش دبستانی فراهم و در اختیار مخاطبان و ذی نفعان گذاشته می شود تا بسترهای لازم برای رشد جوانه های مغزی سایر عوامل توسعه نوزاد، مانند: "تبدیل خشم به صلح و آرامش"، "زندگی مستقل متکی به خود"، "تصمیم گیری آزادانه"، "خود یابری"، "خود باوری" و... به منظور شکل گیری ظرفیت های دوران کودکی و توانمندسازی کودکان به عنوان "سرمایه های انسانی" با هدف آماده سازی کودکان در نقش آینده سازان برای مشارکت در تحقق اهداف برنامه های توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور، فراهم گردد.

شایان ذکر است که استاد دکتر محسن رنایی مطالعات ارزنده در این خصوص به سرانجام رسانده اند و سخنرانی ها و مقالات متعدد ایشان نیز منتشر شده است.

۲- درنظام آموزشی آلمان امکانات گوناگون همراه با "انعطاف پذیری" و تسهیلات برای انتخاب آموزش های بین سطوح در اختیار همگان قرار دارد. برای توجیه انعطاف پذیری در آموزش های بین سطوح، یک نمونه بسیار مؤثر در ارتقاء کیفیت آموزش و اشتغال تقدیم شما عزیزان همراه می شود:

اکثر محصلان آلمانی بعد از پایان دوره اول متوسطه با رضایت و افتخار و انتخاب شخصی به جای ورود به دوره دوم متوسطه و اخذ مدرک دیپلم، وارد سیستم دوآل آموزش حرفه ای می شوند. آنان پس از طی دوره سه سال و نیم آموزش حرفه ای و ورود به بازار کار، در صورت علاقه و میل به ارتقاء شغلی می توانند با استفاده از فرصت های منعطف آموزش بین سطوح، ضمن کسب مدارک لازم برای ورود به سطوح بالاتر علمی کاربردی به مدرک لیسانس حرفه ای و در تداوم در صورت تمایل و علاقه با ورود به دانشگاه آکادمیک، تا مرحله اخذ دکترا و کرسی استادی نائل آیند. جالب توجه این است که برخی از اساتید دانشگاه های آلمان از طریق طی این پروسه به درجه استادی رسیده اند و این خود یکی از علل تفاوت بین رویکرد دانشگاه های آمریکا و دانشگاه های آلمان و همچنین دانشگاه های سایر کشورهای اروپایی برخوردار از سیستم دو آل آموزش حرفه ای می باشد، همان گونه که در پائین در مبحث رنکینگ دانشگاه های جهان نیز اشاره خواهد شد.

۳- نگاه "سیستمیک و فراگیر مبتنی بر دو اصل همکاری و هماهنگی" در تمام شئون نظام آموزشی و تحقیقاتی در سرلوحه امور قرار دارند.

۴- در نظام آموزشی آلمان ارتباط بین آموزش به طور اعم و پژوهش و تحقیقات و نیازهای اقتصاد و جامعه بسیار منسجم است. بنابراین آن نظام آموزشی با مقاله نویسی های آکادمیک و تئوری پردازی های غیر قابل اجرا رابطه حسنه ای ندارد و بیشتر بر اثربخشی و پاسخگویی آموزش و تحقیقات به نیازها و انتظارات جامعه متمرکز می باشد، مخصوصاً با تمرکز بر دو محور اصلی توسعه یافتگی، شامل "بلوغ شخصیتی" و به عبارتی دیگر صلاحیت های اخلاق فردی، حرفه ای و اجتماعی و حل مشکل و همچنین "توانمند سازی و شکل گیری ظرفیت های دوران کودکی" که به عنوان الزامات توسعه پایدار، مورد تأکید آقایان دکتر سریع القلم و دکتر رنایی نیز می باشد.

شایان ذکر است که در سیستم دوآل آموزش مهارتی حرفه ای، صلاحیت های یاد شده در بالا به عنوان فوق تخصص آموزش مهارتی حرفه ای تلقی می گردد. این صلاحیت ها شعار نیستند، بلکه ویژگی های اخلاقی و رفتاری هستند که در طول سه سال و نیم آموزش حرفه ای در جوانان نهادینه می شوند

همین امر باعث شده است که دانشگاه های آلمان در ”رنکینگ کلاسیک دانشگاه های جهان” معمولاً در رتبه های زیر ۲۰ قرار ندارد، زیرا پارامترها در شاخص های رتبه بندی، معمولاً آمارهای مبتنی بر تجربه، تعداد مقالات و نتایج تحقیقات، تعداد کنفرانس ها، تعداد دانشجویان و فارغ التحصیلان، تعداد صفحات وب دانشگاه و نظایر آن می باشند.

قابل توجه این است که در سال های اخیر شیوه جدید رتبه بندی دانشگاه های جهان با عنوان **U-Multirank** از طریق اتحادیه اروپا متداول شده است. رویکرد چند بعدی این شیوه رتبه بندی، تصویر گسترده ای از دستاوردهای دانشگاه ها ترسیم می کند و از محدودیت های یک طرفه دستاوردهای پژوهشی فراتر می رود. براساس **سومین رتبه بندی جهانی دانشگاه ها (مالتی رانک)** بین بالغ بر ۱۳۰۰ دانشگاه با ۳۲۵۰ دانشکده و ۱۰۷۰۰ دوره آموزشی از ۹۰ کشور در سال ۲۰۱۶، به طور خلاصه صرفاً به یکی از نتایج مرتبط با موضوع این پست پیش رو اشاره می کنیم. طبق یکی از شاخص های مربوط به **”تحقیقات”**، از ۲۵ دانشگاه برتر جهان در مالتی رانک، تعداد ۱۸ دانشگاه به آمریکا اختصاص دارد.

اما تصویری کاملاً متفاوت در مورد شاخص **”انتشارات مشترک با بخش اقتصاد و صنعت”** که یک شاخص کلیدی برای بعد انتقال دانش می باشد، از ۲۵ دانشگاه برتر جهان، ۱۷ دانشگاه از اروپا هستند که **”بیشترین آنها شامل دانشگاه های آکادمیک و علمی کاربردی آلمان”** می شوند و جالب تر از همه این است که در شاخص **”سهم انتشارات مشترک منطقه ای”** که هدف آن انتقال تکنولوژی در قالب همکاری های بین المللی در منطقه است، از ۲۵ دانشگاه برتر جهان ۲۱ دانشگاه از اروپا هستند، در حالی که **”حتی یک دانشگاه آمریکایی در این لیست وجود ندارد.”**

و اکنون دو نتیجه گیری کلی مقدماتی ناشی از مفاد بند ۴ که متأسفانه بیانگر فرصت سوزی های ماست :

۴-۱- کشور ما در طول حدود ۱۲۰ سال همکاری آموزشی بعضاً منحصر به فرد با کشور آلمان که از تجارب موفق آموزشی و تحقیقاتی علمی کاربردی ارزنده مبتنی بر صلاحیت ها و ساختار زنجیره آموزش برخوردار است، توانسته به صورت الگو برای ایجاد بستر توسعه یافتگی پایدار، بهره برداری بهینه کند.

۴-۲- در طول همکاری های مشترک، از فرصت های طلایی به صورت ناقص و نا پایدار استفاده کرده ایم. برای مثال، سه دانشگاه علم و صنعت، امیرکبیر و خوارزمی که از نتایج تلاش نخبگان مدرسه ایران و آلمان می باشند، در بُعد صلاحیت های فردی، حرفه ای، اجتماعی و حل مشکلات جامعه و یا به قول دکتر سریع القلم در بُعد بلوغ شخصیتی با دانشگاه های آلمان خیلی فاصله دارند.

خیلی اسفناک تر و دردآور، بلای نابخشودنی است که مدیریت های سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور بر سر طرح **”اقدام مشترک اقتصاد آلمان برای ایران”** معروف به **”طرح هجده ماهه”** آوردند. طرحی که با رویکرد الگو و استانداردهای سیستم دوآل و برخی از عوامل مؤثر در توسعه منابع انسانی (صلاحیت ها و بلوغ شخصیتی) راه اندازی شد و بالغ بر سه دهه بیش از دوازده هزار جوان ماهر متخصص برخوردار از صلاحیت های نسبی اخلاق حرفه ای به بازار کار و بنگاه های کوچک و متوسط و بزرگ اقتصادی تولیدی عرضه نمود. مسؤلان سازمان مورد اشاره به دلایل واهی و غیر منطقی در طول دهه ۹۰ به مرور آن طرح را منته و سپس در اواخر دهه ۹۰ بدون احساس مسؤلیت پاسخگویی تلاشی و مدفون کردند. در مورد میزان و حجم خسارات مادی و معنوی تصمیم خودسرانه مدیریت سازمان آموزش فنی و حرفه ای در مورد تلاشی و تعطیلی این طرح سرنوشت ساز در سطح ملی از یک سو و ضرورت پاسخگویی به آن دسته

از جوانان بیکار، معتاد، زندانی و یا سرگردان در خارج از مرزها از سوی دیگر، همین بس که اخیراً یکی از دبیران کل اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران که چهل سال در انواع صنایع کشور حضور داشته اند، به نگارنده این پست (فراخوان)، مضمون به قول اعلام نمودند که تنها آندسته از بنگاه های صنعتی و کارخانجات به طور رضایت بخش و دقیق و با کیفیت در حال فعالیت هستند که آموزش دیدگان طرح هجده ماهه (طرح اقدام مشترک آموزش و بازآموزی اقتصاد آلمان برای ایران) در آنجا همکاری دارند.

۵- مربیان، مدرسان، اساتید و مشاوران آموزشی به طور اعم و مربیان حرفه ای کارگاهی و بنگاهی به طور اخص از جمله مزیت های نظام آموزشی آلمان می باشد. با توجه به "مسئولیت های خطیر چند جانبه" که مربیان آموزش های حرفه ای برعهده دارند، بنابراین از دانش کاربردی، توانایی های تخصصی حرفه ای و صلاحیت و شایستگی های اخلاقی، رفتاری، حرفه ای، اجتماعی و حل مشکل برخوردارند.

در این راستا آموزش انواع "پداگوژی" (علم و هنر تعلیم و تربیت) و "دیداکتیک" (علم و هنر یاددهی و یادگیری) اعم از دیداکتیک عمومی و یا تخصصی در دستور کار مؤسسات ذی ربط آلمانی قرار دارد.

شایان ذکر است که با شروع قرن ۲۱ و آغاز انقلاب چهارم صنعتی، زنجیره آموزش آلمان نیز از حلقه اول که دوران نوزادی است تا مراحل بعدی با همکاری و هماهنگی ذی نفعان در دست به روزسازی و متناسب سازی است.

6- اشاره به برخی مزیت ها و ویژگی های سیستم دوآل آموزش حرفه ای که مواردی از آنها کم و بیش در طرح

اقدام مشترک اقتصاد آلمان برای ایران (طرح مشترک ۱۸ ماهه ایران و آلمان) نیز منظور شده اند:

1-6- آموزش نظری یک یا دو روز در هفته در "مدرسه حرفه ای" با سرمایه دولت و بقیه روزهای هفته آموزش عملی در "بنگاه اقتصادی" توسط بخش خصوصی اجرا می شود. بدین ترتیب فراگیران در مدرسه حرفه ای "محصل" تلقی می شوند و در بنگاه اقتصادی به عنوان "کارآموز". نسبت ساعات و هزینه های آموزش نظری و عملی حدود ۲۰ به ۸۰ می باشد.

2-6- به طور اعم، گذار از مدرسه و آموزش عمومی به آموزش حرفه ای و از آموزش حرفه ای به بازار کار دو نقطه عطف مهم در پروسه آموزش حرفه ای محسوب می شود. بدین منظور پداگوژی های "آموزش"، "کار" و "حرفه" در فرایند آموزش حرفه ای کاربرد دارند. چالش گذار محصل و کارآموز از مرحله ای به مرحله دیگر، در سیستم دوآل با تفاوت فضاهای آموزش نظری و عملی حل شده است.

3-6- مربی، مدرس و مشاور مسئولانه با هماهنگی و همکاری امور را هدایت می کنند.

مربیان شامل مربی "کارگاهی" و مربی "بنگاهی" هستند، زیرا آموزش "عملی عمومی" در کارگاه و "عملی تخصصی" در بنگاه در محیط واقعی کار اجرا می شوند.

4-6- همان گونه که در بالا نیز اشاره شد، برنامه های درسی، نقشه ها و تمرینات عملی و شیوه های یاددهی به نحوی تهیه و تدوین می شوند که در مدت طولانی آموزش حرفه ای (سه سال و نیم) "هویت حرفه ای" و "صلاحیت ها" یاد شده در کارآموزان (نیرو های ماهر متخصص) نهادینه شود.

5-6 - قانون گزارش نویسی

براساس قانون حرفه ای آلمان، هر یک از کارآموزان موظف هستند هرروز کاری، گزارش عملکرد را با رویکرد تحلیلی یادداشت کند و سپس برنامه کاری روز بعد را نیز بنویسند. مریدان دوره آموزشی نیز موظفند هر روز گزارشات را مطالعه کنند و نتایج را با کارآموزان در میان بگذارند.

بدین ترتیب می توان متصور شد که از سن ۱۵ یا ۱۶ سالگی به مدت سه سال و نیم گزارش نویسی عملکرد روزانه و برنامه ریزی آتی باعث چه درجه ای از صلاحیت ها و شایستگی های اخلاقی، حرفه ای، آسیب شناسی و مشکل یابی و حل مشکل، خودشناسی، خود باوری و خودباوری، وقت شناسی، برنامه ریزی، هدفمندی، واقعیت گرایی و آینده نگری و آینده پژوهی و... خواهد شد.

این نمونه ای است از "توانمند سازی و افزایش ظرفیت های دوران نوجوانی" درمورد دوران کودکی نیز قبلاً نمونه هایی ارائه شد. این همه نمونه های علمی عملی است که در کشور آلمان جاری است و ما هم سعی کردیم در ایران نیز بر اساس این الگو در قالب طرح آموزش هجده ماهه، برنامه ریزی و اجرا و تکمیل کنیم، ولی عده ای ظاهراً کارشناس تصمیم ساز و ظاهراً مدیران تصمیم گیر نا آگاه و بیگانه با آموزش فنی و حرفه ای و اصول توسعه یافتگی، طرح مشترک آموزشی ایران و آلمان را مثله و دفن کردند.

این قسمت ظاهراً در راستای دو مبحث جالب آقایان دکتر سریع القلم و دکتر رنانی می باشد، یکی مبحث ارزیابی اندیشه ها و احساسات خود که از جمله عوامل زیر بنایی شخصیتی است. در این مورد دکتر سریع القلم اعلام کرده اند یکی از تکالیفی که بعضاً به دانشجویان دکتری خود می دهم، این است که تا دو هفته آینده پنجاه صفحه درمورد خود بنویسند. در زمان هائی که این تمرین انجام شده اغلب دانشجویان ثابت کرده اند که بعد از ۶ - ۵ صفحه متوقف شده و درمورد خود کم می دانند.

و دیگری مبحث آقای دکتر رنانی است که به ضرورت شروع توسعه از حوزه آموزش و شکل گیری ظرفیت های دوران کودکی که زیر بنای دوران بعدی است، اشاره دارند. در چند قسمت این پست اشاراتی تجربی و اجرائی به مبحث اساسی و زیر بنایی دکتر رنانی داشته ایم.

6-6- نظارت بر حسن اجرای دوره های آموزشی، آزمون و ارزیابی:

نه مدارس حرفه ای و نه بنگاه های اقتصادی تولیدی (مجریان دوره های آموزش نظری و عملی)، بلکه اتاق های مربوط به رشته های آموزش حرفه ای مسؤل نظارت بر حسن اجرای دوره های آموزشی، اعتراضات و برگزاری آزمون و همچنین ارزیابی عوامل، فضا و مریدان و نتایج دوره های آموزشی هستند. برای مثال: اتاق بازرگانی و صنایع مسؤل رشته های فنی، اداری و بازرگانی، اتاق پیشه وری مسؤل رشته های پیشه وری و الاخر

نتیجه گیری و پیشنهاد اجرائی

مطالبی که در بالا به عرض دوستان دلمشغول توسعه پایدار کشورمان ایران رسید، نه به قصد معرفی و تبلیغ کشور آلمان بود و نه با هدف ارائه صرفاً تاریخچه همکاری آموزشی ایران و آلمان و گزارش شعارگونه در مورد اقداماتی که به سر انجام رسیده اند.

منظور از این پست (فراخوان)، معرفی مقایسه ای یک "نظام آموزشی و تحقیقاتی" مبتنی بر اصول و راهبردهایی است که می تواند به عنوان الگو در جوامع گوناگون، الزامات و مهارت های لازم برای توسعه پایدار را نهادینه کند. الگوی سیستم آموزش حرفه ای این

نظام در طی سال ها فعالیت های مشترک به صورت "مطالعات و پروژه های پژوهشی کاربردی و یا طرح های اجرایی در ایران مطرح شده اند.

در قسمت هایی از مطالب بالا به نمونه هایی از نحوه نهادینه شدن مهارت های لازم برای بلوغ شخصیتی (به عبارتی دیگر: صلاحیت و شایستگی های فردی، حرفه ای و اجتماعی) و همچنین کاشتن بذر توسعه از لحظه تولد نوزاد اشاره شد.

متأسفانه در کشور ما الزامات یاد شده توسعه جزء حلقه های مفقوده می باشند. از هم گسیختگی نظام و زنجیره آموزش در ایران جای نگاه سیستمی، فراگیر و یکپارچه را گرفته، در شرایطی که در کشورهای پیشرفته و توسعه یافته روز به روز بیشتر مورد توجه قرار می گیرند. یکی از نمونه های این توجه یک طرح "بزرگ مقیاس" بین المللی تحقیقاتی است که با محوریت دانشگاه برمن آلمان و مشارکت چند

کشور اروپایی، آسیایی و آفریقایی از آن جمله کشورهای سوئیس، چین و آفریقای جنوبی در زمینه صلاحیت (Competence) و عوامل و الزاماتی همچون انگیزه، هویت شغلی، تعهد شغلی، تشخیص شایستگی بر مبنای آسیب شناسی و مدل اندازه گیری صلاحیت و نظایران با هم همکاری دارند.

شایان ذکر است که رئیس این حرکت نوین بین المللی که از اساتید بنام آلمانی است، شخصاً از حضور ایران نیز در این حرکت استقبال کرد، ولی همان طور که انتظار میرفت هر سه مرکز آموزشی مخاطب در ایران مطلع از این دعوت، برای تصمیم گیری در مانده اند و شاید از اهمیت این مبحث حیاتی غافلند.

پیشنهاد اجرایی

امیدوارم توضیحات نسبتاً طولانی و شاید بعضاً تکراری بالا، موجب "زبان مشترک" برای درک بهینه پیشنهاد پیش رو و ایجاد بستر مناسب برای تبادل نظر هدفمند شده باشد.

در این پیشنهاد تلاش بر این است که برخلاف رویکرد نامطلوب حاکمیت کشور و اقشار گوناگون مردم که معمولاً بجای ارائه راهکار مشخص برای "حل مشکل" به صرفاً اطلاع رسانی در مورد مشکل و حواله به آینده که باید و یا قرار است "انجام شود" اکتفا می کنند، با بهره گیری از راهکارها و تجارب موفق، صرفاً به "ساختار و مکانیزم حل مشکل" بپردازیم.

این پست که جنبه "فراخوان" دارد، با هدف دعوت از تمام سمن ها، اتاق های فکر، اندیشکده ها، مجموعه های آینده پژوهی، اندیشمندان محققان و پژوهشگران حقوقی و حقیقی که در حوزه "توسعه" و "توسعه یافتگی" و عوامل و الزامات آن و به ویژه در زمینه "آموزش و توسعه منابع انسانی" دلمشغولند و دستی بر آتش دارند، به مطالعه و هم اندیشی و تحلیل نمونه های عینی که به مواردی از آنها در بالا اشاره شد، بپردازیم.

بدین ترتیب به استناد تأکید بحق دکتر رنانی که "نظریه ها باید از دل جامعه در آید و بنابراین نیاز مند گفتمان هستیم" امیدواریم واز همه افراد حقیقی و حقوقی یاد شده در سطور بالا انتظار داریم با استفاده از امکانات مادی و معنوی ذی صلاح و ذی ربط، به بررسی و تبادل نظر جدی و مستمر در مورد سرفصل های زیر بپردازیم. همان گونه که ملاحظه می فرمائید، برای هر سرفصل مخاطبان ذی نفع و دستگاه های اجرایی ایرانی و آلمانی که هریک به نحوی باموضوع سرفصل در گیر بوده اند و تا حدودی و یا نسبتاً کامل از آن مطلعند، مشخص شده اند.

1- آموزش و پرورش از بدو تولد وحتى قبل از تولد؛

مخاطبان: والدین، مربیان مهد، معلمان پیش دبستانی و دبستانی

افراد حقوقی و حقیقی ایرانی و آلمانی برخوردار از برخی اطلاعات و تجارب:

دانشگاه آزاد، واحد یادگار امام، دفتر برنامه ریزی درسی وزارت آموزش و پرورش، آینده پژوهان توسعه فرهنگی، جمعی از فارغ التحصیلان دانشگاه های آلمان و اتریش از آنجمله، اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان در اروپا، مؤسسه FIBS آلمان (انستیتوی تحقیقاتی برای اقتصاد آموزشی و اقتصاد امور اجتماعی)

2- زنجیره آموزش

تجارب موجود:

+ حاصل از همکاری های آموزشی ایران و آلمان، به ویژه از طریق اقدام مشترک اقتصاد آلمان برای ایران
+ طرح در ستاد مرکزی دانشگاه آزاد، سازمان سما و واحد یادگار امام و در دفتر زنده یاد حجت الاسلام دکتر احمدی

3- همکاری و هماهنگی منسجم بین آموزش، تحقیقات و نیازهای اقتصاد و جامعه

تجارب و سوابق موجود:

سیستم دوآل در قالب اقدام مشترک اقتصاد آلمان
همکاری های دانشگاه آزاد و علمی کاربردی با دانشگاه فنی کلن

4- صلاحیت ها (بلوغ شخصیتی)

تجارب و سوابق موجود:

در بعد آموزشی تربیتی از طریق سیستم دوآل کلاسیک و عالی مهارتی و همچنین طرح اجرا شده مشترک اقتصاد آلمان برای ایران
در بعد تحقیقاتی امکان همکاری با دانشگاه برمن آلمان، از طریق پرفسور راوئر

5- آموزش و بازآموزی مربیان و مدرسان مهارتی

سوابق و تجارب موجود:

سیستم دوآل آموزش حرفه ای و اقدام مشترک اقتصاد آلمان برای ایران

6- بازآموزی اساتید و مربیان

با توجه به رشد و توسعه سریع فناوری ها، ایجاد مراکز دیداکتیک (علم و هنر یاددهی و یادگیری) در جوار مؤسسات آموزشی

تجارب و سوابق موجود:

پروپزال طرح های اجرایی دانشگاه های علمی کاربردی و آزاد با همکاری دانشگاه فنی کلن

ساختار تشکیلاتی

با عنایت به گستردگی و فراگیر و یکپارچه بودن این پیشنهاد، بدیهی است که به ساختار منسجم و پایدار اجرایی تشکیلاتی نیاز می باشد. بنابراین پیشنهاد می شود یکی از تشکل های اندیشمندان فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی با نقش محوری، مسوئیت مدیریت و هدایت این طرح پیشنهادی را متقبل شوند و سپس در اولین گردهم آیی هم اندیشی با مشارکت نمایندگان تام الاختیار سایر تشکل ها و گروه های ذی ربط و همچنین افرادحقیقی صاحب نظر، نسبت به اصلاح و تکمیل و تصویب این طرح پیشنهادی و مکانیزم تداوم حرکت به صورت شبکه ای و در قالب کارگروه های تخصصی به بررسی و تبادل نظر پردازند. لازم است که همزمان تمهیدات لازم برای پیاده سازی نتایج بررسی های کار گروه های تخصصی به صورت طرح پایلت اندیشیده شود.

دونکته پایانی

در پایان دونکته را خاطر نشان می سازم:

1 - امکان استفاده از تجارب برنامه ریزی و مدیریت اجرایی طرح اقدام مشترک اقتصاد آلمان برای ایران و همچنین ارتباط با آلمان و

کشورهای برخوردار از سیستم دوآل کلاسیک و دوال عالی مهارتی وجود دارد.

2 - اینجانب به عنوان مجری طرح اقدام مشترک اقتصاد آلمان برای ایران و مطلع درمورد مفاد این پست و طراح این فراخوان

پیشنهادی، آماده پاسخ به ابهامات و سؤالات شما عزیزان هستم

پیشاپیش از صبر و حوصله ای که به خرج خواهید داد و همچنین نظرات و پیشنهادات اصلاحی و تکمیلی سپاسگزارم.

با احترام

علی نیکوئی

anikui@tarfanicc.com

0912 39 44 00 8

